جام جم
jamejamdaily.ir
ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵
چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲



«جام جم» حواشی تولید یک فیلم ضدایرانی جدید را بررسی می‌کند

موج ضدایرانی روی خط لولیتاخوانی

صفحه ۸

درسال‌های اخیر کتاب‌های بسیاری در ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران منتشر و تبدیل به آثار سینمایی شده است

با حضور رئیس سازمان صداوسیما؛

اعضای شوراهای صدور مجوز تولید و انتشار ساترا معرفی شدند

۷

ویژه

در هفته معلم یادی از معلمان شاعر کرده‌ایم

پای درس عشق

۱۱

گفت‌وگوی «جام جم» با رادیویی‌ها درباره دومین جشنواره مستند پژواک

دنیایی از خلاقیت و ایده

۶

سینما



گفت‌وگو با هوشنگ توکلی، بازیگر

جام جم؛ رسانه حرفه‌ای با ایده‌های جدید

۱۰

رسانه



نگاهی به نظرسنجی‌های تازه صداوسیما نشان داد

افطاری‌های پرمخاطب تلویزیون

۷

بخش اول

زاویه دید

احمد میراحسان | گروه فرهنگ و هنر



نگاهی به تاثیر رسانه‌ها بر فرهنگ همگانی

جعل زندگی در تلویزیون‌های نظام سلطه



دکتر معتمدنژاد، استاد درس وسایل ارتباطات جمعی ما در نیمه اول دهه۵۰، حدود سال‌های ۵۳/۵۲ شمسی (۷۵/۷۴) میلادی که گویا به‌نظرم در دانشگاه سوربن هم کلاس‌های همین درس را برگزار کرده بود، بحث مفصلی را درباره تلویزیون و ویژگی قدرت و تأثیر ژورنالیسم آن مطرح می‌کرد که بسی برای ما دانشجویان طراوت داشت، هرچند ما دانشجویان روشنفکر چپ‌گرا به نحو جاهلانه‌ای، با همه احترام به ایشان، به سبب فقدان نگرش طبقاتی رادیکال، آرای ایشان را یک نقد محافظه کار به حساب می‌آوردیم. سال‌ها بعد، پیر بوردیو در ۱۹۹۶ میلادی در مجموعه درس‌های کلژ دو فرانس، بحث‌هایی درباره تلویزیون، سلطه و ژورنالیسم مطرح کرد و بعد به صورت کتاب در آمد (دکتر فکوهی آن را در سال ۱۳۸۷ به فارسی برگرداند) که برای ما آشنا بود.

نگاه انتقادی بوردیو، چون نگرش سارتر، دلوز، هابرماس، فوکو، بودریار، بودیو، ژیژک با همه تمایزش، همچون نگرش هورکهایمر، آدرنو، بنیامین و اسلاف‌شان - که اغلب چپ نو بودند - گویای نقد وجوه گوناگون جامعه مدرن با تکیه به مبانی مدرنیته است که قبلا از سوی نیچه، پردون، مارکس، انگلس، کائوتسکی و بعد هایدگر در قلمرو فلسفه، اقتصاد سیاسی، فرهنگ و سیاست ....علیه نظام غربی سرمایه‌داری در گرفته و تفکر مدرن و مدرنیته موجود را به سود اشکال آرمانی مدرنیت، نقد کرده است (مثلا به سود اشکال سوسیالیستی یا آنارشیستی در سیاست و اقتصاد یا اشکال جدید درک نیست‌انگارانه یا وجودگرایانه در فلسفه و فرهنگ و هنر).

نقد مسائل مدرن از منظر عالمان اسلامی

تردیدی نیست که پیش از انقلاب اسلامی، منظر عالمان اسلامی در نقد جدی مسائل گوناگون مدرن، بس نادر مکتوب شده و آنان عملا و به شیوه عالمانه و متد فقیهانه وارد نقد مدرنیته و عصر مدرن نشده‌اند. منظورم نفی فساد، فحشا و کفر مدرن در منابر همگانی و وعظ نیست بلکه می خواهم به‌روشنی بگویم قبل از انقلاب بنابه دلایل گوناگون، کارسترگ و پیگیر علمی در این باره از مراجع علمی حوزه‌های نجف و قم و... و عالمان معتبر روحانی به‌صورت مکتوب کمتر سراغ داریم، جز مختصری از سوی علامه نایینی و رسائل مقدماتی دوران مشروطه و عمده‌اش دو اثر مهم از شهید باقر صدر است و نوشته‌های علامه طباطبایی در فلسفه رئالیسم و شهید مطهری و با منابع غیرمستقیم چون اثر برگردانده شده از پیشتر درباره مارکسیسم و مقالاتی پراکنده از علمای شیعی... باقی هر چه هست اساسا در سخنان شفاهی امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای دامت برکاته در گرفته است. نکته تلخ آن است که غنای فکری بالفعل در نقد مدرنیت به وسیله عالمان بزرگ عالم تشیع و بضاعت معرفت اسلامی ما در سطحی غیرقابل قیاس با مکتوبات‌شان قرار دارد. یعنی هرجا سخن جدی رخ داده در اوج برهان عقلی رخ نموده اما به سبب عدم درگیر شدن با موضوع و درک اهمیت عصر و پاسخ علمی به تفاسیر علم مدرن و عدم جهد در آموختن زبان مسلط بر تولیدات دانش مدرن و پژوهش فقیهانه و مشخصا متون بنیادین فرهنگ، ایدئولوژی، تمدن مدرن و.... ما با فقر علم مکتوب نقد اسلامی در نقد جهان و نهادهای عینی و ذهنی مدرن سر و کار داریم. محصولات پس از انقلاب اسلامی البته روی هم رفته گام‌های اولیه‌اش را طی می‌کند و واقعا در برابر حجم غول پیکر پژوهش و کوشش دانش‌های گوناگون عقلی و تجربی، فلسفی و علوم اجتماعی و... غربیان در ترویج نگرش مدرن صرفا حکم گام نخست را دارد و ما بارها بیشتر از نقد دینی و توحیدی دانش مدرن، با نقد خود دانشمندان غرب بر نظام‌های فکری و نهادهای اجتماعی مدرن روبه‌روییم. همه این تاریخ نقد مدرن دانشمندان غرب و شرق علیه نهادها و ساختارها و وجوه مختلف مدرنیته، چه با نگاه چپ، یا لیبرالیته کمال طلب یا زاویه پسامدرنیستی یا هر شکل جدید چون نگرش فمینیستی که به جنبه‌های مختلف نظام‌های موجود مدرن، غربی یا شرقی و کلیت این یا آن ساختار، انتقاد می‌کند، ضرورت دارد مجدد با عقل و تفکر اسلامی و اکاوی و نقد شود. این نقد مبنایش تفکر دینی نیست هر چند عالمانه خلل‌های بزرگ نهادهای مادی و معنوی جهان و نظام مدرن را فاش می‌سازد. وظیفه عالمان ما، نخست استواری بر تفقه اسلامی، یعنی مبانی استنباط قرآنی و هدایت عقلی و نقلی خاندان وحی است و سپس احاطه علمی بر زبان و منابع دست اول آنان و بالاخره پژوهش و نقد بر اساس تفقه صحیح و نشر مکتوب تحقیقات و آرای عالمانه. در این بین هر اهل علمی خارج از حوزه‌ها موظف است در وسع خود زمینه گفتمان‌های جدی و آشنایی مضبوط و منظم و درست را فراهم آورد.

بحث تلویزیون و سلطه ژورنالیستی آن در عرصه‌ای زنده و مربوط به زندگی ماست و نقش وانموده‌سازی آن با تکیه بر عملکرد شبکه‌های دشمن عیان است

جریان نقد پس از پیروزی انقلاب

متأسفانه عدم حرکت سنجیده و عالمانه پس از انقلاب در تفکر و تدبر و تحقیق و آزاداندیشی و اتکا به تزکیه نفس و اتصال به منبع و معدن وحی در عصر امام(عج) و سلوک معرفتی در مسیر امام زمان (عج) و حمل تکالیفی که ایشان به گردن عالمان حقیقی می‌نهند، به توسعه التقاط و تقلید و تأثیر سطحی نگرش و تفکر غربی بر طلبه‌ها و فضلای حوزه‌ها منجر شده است. ضعف در تربیت فقیهانه و اصیل، ناتوانی در حمل علم و خود باختگی برابر حجم عظیم پژوهش مدرن و مطالب جدید، دردا که به مرض و دردی تازه یعنی رونویسی و ادغام و التقاط و دادن رنگ و بوی یک ظاهر دینی و انتقال همان نگره‌های غیر توحیدی علمای مدرن با لفافی روایی و قرآنی انجامیده است که پایانش جز ترویج کفر نیست . رهبر این جریان پس از انقلاب دکتر سروش است و البته طیف متنوعی از نیروهای شارح فلسفه و آرای فرهنگی و علوم اجتماعی غرب با ظاهر اسلامی در این جریان انتقال جدید فکر و نگرش التقاطی فعالند . در برابر اینان متفکران اصیل، مجتهدان جامع‌الاطراف، طلبه‌های پژوهشگر استوار بر جدی‌گرفتن دین و قرآن و معارف خاندان وحی و سربازان علمی امام زمان (عج) قرار دارند که می‌کوشند ضمن تسلط بر علوم مهم و مؤثر مدرن، خلوص معرفتی اسلامی را حفظ کنند و استنباط اصیل اسلامی در نقد مدرنیته و عمل و نظر و نهادهای عینی و ذهنی آن فراهم آورند.

بهره دشمنان اسلام و انقلاب از تلویزیون

این نوشته دنبال کردن بحث تلویزیون و سلطه ژورنالیستی آن است در عرصه‌ای زنده و مربوط به زندگی ما و نقش وانموده‌سازی آن با تکیه بر عملکرد شبکه‌های دشمن. من می‌کوشم ضمن بیان آموخته‌هایم از پژوهشگری و نقادی علم غربی و آثاری تخصصی، از آثار مک لوهان تا بوردیو، به بیان ماهیت عمل دشمنان از منظر دانایی دینی تلاش ورزم. . پس اساس بحث من، بهره دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی از تلویزیون است . امروز شاید خیلی بحث تلویزیون کهنه به نظر برسد اما خواهیم دید برای ما چنین نیست؛ به‌ویژه در ارتباط با کاربرد دشمنان جهانی انقلاب اسلامی و قدرت‌های استکباری و استفاده مؤثر از شبکه‌های تلویزیونی برای گسترش الحاد، ضدیت با استقلال، ضدیت با انقلاب اسلامی و آزادی مسلمانان از قید کفر، توسعه فرهنگ فاسد نفس‌پرست و بی‌وطنی و بردگی اربابان قدرت جهانی و پذیرش سلطه جهانی و....

این است که ضمن وقوف بر ویژگی عمومی تلویزیون و نقش فرهنگ‌ساز و سلطه ژورنالیستی آن و خصوصیات ویژه این رسانه در جابه‌جایی واقعیت و وانموده در همه جا، در سری مقالاتی تأکید من بر استفاده دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی از شبکه‌های تلویزیونی برای جانشینی وانموده‌ها به جای واقعیات زندگی و تغییر معنای زندگی اجتماعی و همه عناصر آن است، از معنای زندگی و وجه انسانی زندگی و جامعه و فرهنگ و نقش‌ها چون نقش زن، والدین و خانواده، اخلاقیات، آزادی و ... که بحث بر این محور پیش خواهد رفت .

یادداشت

علی مظاهری | روزنامه نگار



سلام بر خبر بزرگ

اکنون نهال نازک گردو آنقدر قدکشیده که دیوار را برای برگ‌های جوانش معنی کند.

زمانی نهالی یک‌روزه و اکنون درختی هرسال بلندتر. سپاس خدا را که ستایشگر «نبأ عظیم»است و چه کسی جز خبرنگاران واقعا صاحب خبر بزرگ است و ناشرش.

روزنامه، برگه تاریخی ویژه‌ای است که نمی‌شود در دیگر متن‌ها و مدارک و اسناد پیدایش کرد. روزنامه با ویژگی‌های انحصاریش هرگز قابل چشم‌پوشی نیست؛ این چنین فرازی را استاد سیدفرید قاسمی به این قلم یادآور شد. از روزنامه دو یا سه پیش‌شماره منتشرشده بود که این قلم به گروه فرهنگی دعوت شد. آن زمان دبیر این گروه را خود ریاست سازمان معرفی می‌کرد.

دوره‌ای صعب و سخت بود، هجمه‌ها فضای رویکرد به جام‌جم را با تردید آمیخته بود اما همکاران با رهنمون بزرگان به گونه‌ای کوشیدند و اعتماد عمومی جامعه را جلب کردند که جام جم بر چکاد اقبال عمومی هموطنان، پیشتازتر از دیگر روزنامه‌ها و نشریات به درخشش پرداخت. خبرهای آن دوران از دو منبع تلکس و تجربه حرفه‌ای تهیه می‌شد که خبرهای فرهنگی عموما سینمایی - تلویزیونی بود و گروه رسانه پوششان می‌داد.

فرهنگی بود و حوش کاملا خالی از ماهی (شما بخوانید خبر). به دیگر عبارت فرهنگ و فرهنگی‌کار بود و طنینی که در جهان، رسانه نداشت. با این که فرهنگ است و جهان‌سازی. با این‌که هر آتشی به تمدن و زندگی گرما بخشیده فرهنگ روشنش ساخته و می‌سازد... آن دوران تولید محتوای خبر فرهنگی همانا دوران عرق‌ریزان روح و تپش قلم و فشار نفس‌سوز کار بود؛ یعنی از شیرین‌ترین دوران کار خبری به‌ویژه که صفحه خبرهای فرهنگی اختصاصی جام‌جم به خاطر سیاق و سبک نوآمده‌اش تحسین بزرگان را بیمه‌گر خود داشت و... آمد و رفت روزهای کار و سال‌های بی‌خستگی کوشیدن. تا باد چنین بادا.